



بررسی رابطه فردگرایی با نگرش به تحدید نسل (مطالعه موردی: زوجین شهر تهران)

دکتر امیر رستگار خالد^۱، ماریا رحیمی^۲، هاجر عظیمی^۳، محمد ناصر ریاحی^۴

چکیده

امروزه تک‌فرزندگی یا بی‌فرزندگی به فرهنگی مدرن تبدیل شده و مورد استقبال بسیاری از زوج‌های جوان قرار گرفته است؛ به طوری که این عامل باعث شده تا تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن کاهش یابد و میزان باروری در جامعه سیر نزولی را طی کند. در واقع امروزه نگرش به باروری تغییر کرده و از حالت اعتدال خارج شده و اکنون شاهد کاهش نرخ جمعیت متعادل و متناسب در جامعه هستیم. عوامل بسیاری می‌تواند در این کاهش بی‌سابقه نرخ باروری دخیل باشند که در این میان تأثیر عامل فرهنگی به ویژه با وضعیت کنونی جوامع و جهانی‌شدن فرهنگ، بیش از عوامل دیگر قابل تأمل و بررسی است. بدین منظور در پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی یکی از بانفوذترین نیروهای عامل فرهنگی یعنی فردگرایی بر مسئله تحدید نسل که منجر به کاهش باروری شده است، پرداخته‌ایم. تحقیق حاضر به روش پیمایش است و جامعه آماری آن را زوجین شهر تهران تشکیل می‌دهند که تعداد ۴۲۸ زوج، به‌عنوان نمونه تحقیق با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای احتمالی انتخاب شدند. نتایج بررسی حاکی از این است که، بین متغیر فردگرایی با مسئله تحدید نسل رابطه وجود دارد به طوری که: با افزایش میزان فردگرایی در افراد، نگرش به تحدید نسل و دو مؤلفه اصلی آن یعنی نگرش به کنترل باروری (ذهنی) و رفتار باروری (عملی) در آنان افزایش می‌یابد. درواقع، افزایش فردگرایی می‌تواند به کاهش باروری در افراد منجر شود که همین امر باعث از بین رفتن وضعیت تعادل جمعیت در جامعه می‌شود که نتیجه آن ایجاد خلل در بازتولید جامعه است.

کلید واژه‌ها: فردگرایی، تحدید نسل، رفتار باروری، کنترل باروری، اعتدال

مقدمه و بیان مسئله

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد amir_rastegarkhaled@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی maria.rahimi6@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی e.azimi83@gmail.com

^۴ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی mn.riahi@yahoo.com

خانواده یکی از ارکان مهم جامعه محسوب می‌شود که در طول زمان تغییرات چشمگیری را پشت سر نهاده است. این تغییرات وظایف خانواده را نیز دگرگون کرده است، در این میان باروری به معنای "ولین و اصلی ترین عامل تغییرات جمعیتی که هرگونه کنترل یا ازدیاد نسل از طریق آن صورت می‌گیرد" به‌عنوان یکی از وظایف مهم نظام خانواده محسوب می‌شود که به میزان زیادی دستخوش تغییر و تحول شده است به نحوی که در طول زمان نگرش به باروری در میان جوامع تغییر و به مرور نرخ های باروری کاهش یافته اند. در این بین کاهش نرخ های باروری و روند نزولی رشد جمعیت کارشناسان و پژوهشگران این عرصه را متوجه خود کرده است؛ چرا که جمعیت هر کشور به‌عنوان نیروی محرکه و پیش برنده آن محسوب می‌شود که در صورت خدشه دار شدن، کشور از حالت تعادل خارج شده و جامعه در سرازیری و انحطاط قرار می‌گیرد. (کاشی، ۱۳۸۲: ۲۵) بنابراین اگرچه به نظر می‌رسد که باروری و کنترل آن پدیده ای شخصی و خانوادگی است که بر مبنای محاسبات عقلانی صورت می‌گیرد اما گسترش این پدیده در حال حاضر به گونه ای است که نسل بشر را تهدید به تحدید نسل نموده و بیانگر این است که عواملی فراتر از افراد در این مسئله مهم دخیل هستند. در این راستا شواهد نشان می‌دهد که امروزه در ایران طرز تلقی و تمایل خانواده ها نسبت به فرزندآوری تغییر کرده است به گونه ای که میزان باروری در ایران از ۷ فرزند در سال ۱۳۵۷ به ۱/۸۵ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۸۵ کاهش یافت. این بزرگترین و سریع ترین کاهش میزان باروری است که تا به حال به ثبت رسیده است. (حسینی و بیگی، ۱۳۹۱: ۵۸) درواقع، سیر نزولی رشد جمعیت در کشور، پس از سرشماری سال ۱۳۸۵ به چشم آمد. پنج سال بعد آمارهای جمعیتی سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان داد که نرخ باروری در خانواده های ایرانی کمتر از "حد جایگزینی باروری" شده است. درواقع، ما اکنون با افت شدید جمعیت مواجه هستیم و در چند سال آینده با رشد منفی جمعیت، در همین راستا و براساس آماري که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است، اگر ایران به همین صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی بپردازد و برنامه ای برای تعادل آن نداشته باشد، در ۸۰ سال آینده، جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد. از این میان، ۴۷ درصد این جمعیت را افراد سالمند بالای ۶۰ سال تشکیل می دهند. ایران در حال حاضر جزء ۱۰ کشوردنیاست است که به سرعت به سمت کهنسالی در حال حرکت است و از این جهت در جایگاه ششم جهان قرار دارد. (امیراحمدی، ۲۰۱۰) بنابراین شاید اکنون دغدغه اصلی و مهم برای برنامه ریزان جمعیتی کشور، جمعیت متناسب و میزان باشد. می‌توان جمعیت متناسب را جمعیتی همگون با میزان امکانات یک جامعه دانست به گونه ای که با داشتن چنین جمعیتی علاوه بر بهره وری همه افراد از رفاه بتوان برای پیشرفت و توسعه ی آتی کشور برنامه ریزی و اقدام کرد. اما قبل از هر اقدامی این پرسش مطرح است که چه عواملی در این کاهش جمعیت و عدم تمایل به باروری بیشترین تأثیر را دارند؟ در پاسخ گویی به سؤال مذکور تاکنون مطالعات مختلفی انجام شده است که به بررسی روند و تحولات باروری در ایران و عوامل مؤثر بر آن پرداخته اند. (زنجانی، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲؛ امیر خسروی ۱۳۷۴، میرزایی، کوششی و ناصری ۱۳۷۵؛ امانی ۱۳۷۸؛ آقاجانیان ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵؛ فولادی ۱۹۹۷؛ مهریار ۱۹۹۹) و هرکدام با توجه به داده های موجود سعی در برآورد و یا تبیین باروری و عوامل مؤثر بر آن نموده اند. این مطالعات بر نقش عواملی مانند: مدرنیزاسیون (پایداری و معینی ۱۹۹۵)، کاهش مرگ و میر کودکان (رفتاری و دیگران ۱۹۹۵ و اسدپور و هودفر ۲۰۰۰)، جهت گیری

علمای مذهبی در قبال برنامه تنظیم خانواده (۱۳۶۷ و زنجانی ۱۳۷۱)، تحصیلات زنان (عباسی شوزی ۲۰۰۱) و عامل تغییر در سن ازدواج و باروری نکاحی تأکید نموده اند. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۰) با این وجود به نظر می‌رسد از میان موارد مورد بررسی در تبیین کاهش باروری، عامل تغییرات فرهنگی نادیده گرفته شده است؛ در حالی که تغییرات فرهنگی از جمله تغییراتی است که جامعه ایران؛ به ویژه در سال‌های پس از جنگ با آن روبه رو بوده است. همانگونه که هافشند (۱۹۹۴) در تحقیق خود رتبه‌ی فردگرایی در ایران را کمی بیش از متوسط نشان داده است. (اعظم زاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۳) همچنین مطالعات پیشین در ایران نشان می‌دهد میزان فردگرایی میان دانشجویان نشانگر غلبه‌ی فردگرایی بر جمع‌گرایی بوده است. (نوروزی، ۱۳۷۵؛ اعظم زاده، ۱۳۸۶؛ خسروشاهی، ۱۳۸۹) بدین منظور در تحقیق حاضر سعی شده است، بر تأثیر فردگرایی به‌عنوان یکی از انواع ارزش‌های فرهنگی در مقایسه با جمع‌گرایی در ارتباط با مسئله تحدید نسل در میان زوج‌های جوان پرداخته شود. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا فردگرایی بر مسئله تحدید نسل (کاهش باروری) در بین زوجین شهر تهران تأثیرگذار است؟

پیشینه پژوهش

عنایت و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی در ارتباط با «نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن» که به روش پیمایش و از طریق تکنیک مصاحبه با ۳۰۰ مادر و ۳۰۰ دختر به انجام رسیده به این نتیجه دست یافتند که عوامل فرهنگی (تحصیلات و استفاده از رسانه‌های جمعی) بهترین توضیح‌دهنده‌ی سطوح تفاوت باروری بین دو نسل مادران و دختران شان است. آن‌ها مطرح کردند که باروری مادران و دختران روند نزولی خود را در ایران طی می‌کند.

حسینی و بگی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد انجام دادند. هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر شاخص‌های مختلف استقلال زنان بر تمایلات، رفتار و ایده‌ال‌های باروری زنان کرد شهر مهاباد است. داده‌ها با استفاده از پیمایش بر روی ۷۰۰ خانوار جمع‌آوری شده است. براساس نتایج این بررسی، بیش از ۶۱ درصد زنان اظهار داشته‌اند که تمایل ندارند فرزند دیگری داشته باشند، در میان آن‌هایی هم که تمایل به ادامه‌ی فرزندآوری دارند، نزدیک به ۷۰ درصد، شمار فرزندان ایده‌ال برای یک خانواده را دو فرزند می‌دانند. نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه نشان داد که ایده‌ال‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان به ترتیب از شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم استقلال زنان تأثیر می‌پذیرند.

عباسی شوزی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) به «تأثیر و نقش استقلال زنان بر باروری آنان» پرداختند. این مطالعه با استفاده از روش پیمایش به بررسی رابطه‌ی برخی ابعاد استقلال زنان با تمایل به فرزندآوری زنان در شهر سیرجان واقع در استان کرمان می‌پردازد. داده‌ها از طریق پرسشنامه از ۴۰۰ زن همسر دار فرزند واقع در سنین باروری جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد که رابطه بین متغیرهای استقلال و تمایل به فرزندآوری با کنترل متغیرهای اقتصادی و اجتماعی (تحصیلات، مشارکت اجتماعی و وضعیت اشتغال) معنادار نیست. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک بیانگر این است که از میان متغیرهای

مختلف، متغیر تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی زنان نقش تعیین کننده ای در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد؛ به گونه ای که با افزایش این دو عامل تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد.

نیلز (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان "تأخیر باروری: پویایی‌های فرهنگی یا تغییر ساختاری" با اشاره به تبیین‌های مختلفی که در رابطه با کاهش باروری مطرح شده است، به تغییرات اخیر فرهنگی و نقش آنها در کاهش باروری می‌پردازد. او به این نتیجه می‌رسد که تغییرات فرهنگی رخ داده در دهه‌های اخیر، تا حدی تغییر در نرخ باروری را تبیین می‌کند.

هانا (۲۰۰۸) در مطالعات خود به موضوع بی‌فرزندگی در کشورهای آلمان و ژاپن پرداخته و شواهدی از کاهش باروری و افزایش بی‌فرزندگی را در این کشورها نشان می‌دهد. وی سپس به تغییرات عصر حاضر اشاره کرده و مهمترین آن‌ها را گسترش آزادی فردی و نیل به استعدادهای فردی و خودشکوفایی می‌داند.

مبانی نظری

تحدید نسل به معنای راه‌های جلوگیری از گسترش نسل، با داشتن سابقه ای چند هزار ساله از یونان باستان تا اعراب جاهلی و تا عصر علم، همچنان از مسائل جنجال برانگیز اجتماعی و مورد بحث در محافل علمی و اجتماعی معاصر است. این دیدگاه در طول تاریخ دارای موافقین و یا مخالفینی بوده است. به طور کلی می‌توان عنوان کرد که دو نوع نگرش نسبت به پدیده ی تحدید نسل وجود دارد:

الف. موافقین افزایش جمعیت: این نظریه بیشتر در قدیم الایام طرفدارانی داشته است و حامیان آن با توجه به اینکه قدرت یک قوم را به واسطه ی کثرت جمعیت آن می‌پنداشته اند، با تحدید نسل مخالف بودند و از افزایش جمعیت یک قوم یا یک کشور جانبداری می‌کردند. (نیک خلق: ۱۴۴) طرفداران این نظریه با مطرح کردن این‌که امکانات کره زمین برای تغذیه ی تعداد بسیار زیادی، به مراتب بیشتر از آن چه که اکنون موجود است کافی به نظر می‌رسد، به انتقادات وارده بر افزایش جمعیت بی‌توجه بودند. (کتابی، ۱۳۷۹: ۲۳) ب. مخالفین افزایش جمعیت: یکی از مهمترین نظریات در این زمینه که موافقین بسیاری یافت و عمده ی هم خود را به نفی رابطه ی فقر و توزیع نابرابر ثروت معطوف کرد، نظریه ی مالتوس بودوی وضوح فقر را ناشی از کثرت جمعیت می‌داند و بالطبع مبارزه با فقر را در مخالفت با ازدیاد نسل منحصر می‌سازد. (بهنام، ۱۳۸۳: ۷۱۷)

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده درباره تحدید نسل، به نظر می‌رسد امروزه دیدگاه مربوط به مخالفین افزایش جمعیت و طرفداران کاهش باروری، بر جوامع مختلف حاکم است همانگونه که تحقیقات انجام شده در ایران مؤید این مطلب است که ۶۰ درصد از زنان نسل جدید علاقه ای به بچه دار شدن ندارند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۲) در همین راستا نظریه پردازان و پژوهشگران تلاش کرده اند تا کاهش نرخ باروری را در کشورهای مختلف تبیین کنند این امر در ابتدا منجر به شکل‌گیری نظریات اقتصادی، ساختاری و مادی برای تبیین پدیده ی مذکور گردیده است. نظریاتی که در آن‌ها بر هزینه ی فرزندان و اشتغال زنان و یا عوامل دیگری مانند افزایش تحصیلات افراد به‌عنوان دلایل مؤثر بر کاهش نرخ باروری تأکید می‌شود. تئوری اقتصادی باروری به وسیله لیبین اشتاین (۱۹۷۵) مطرح گردیده و به‌عنوان رویکرد اقتصادی/ اجتماعی بر باروری شناخته شده است. این دیدگاه عوامل تعیین

کننده و تأثیرگذار بر شمار مطلوب تولدها در هر خانواده را تبیین می‌کند. براساس این نظریه، شمار تولد مورد آرزوی مردم براساس محاسباتی که انجام می‌دهند معین می‌شود. این محاسبات بر توازن بین رضامندی‌ها با فواید حاصل از یک تولد اضافی در مقابل هزینه‌های پولی و روان شناختی ناشی از آن متکی می‌باشد. وی هزینه‌های کودکان را به هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌کند:

۱. هزینه‌های مستقیم: هزینه‌نگهداری و مراقبت‌های مختلف از فرزند تا زمانی که به مرحله‌ی منفعت اقتصادی برسد.
۲. هزینه‌های غیرمستقیم: مربوط به فرصت‌هایی است که مادر به علت نگهداری طفل خویش از دست داده است. (بهندا، ۱۹۸۹:

(۲۸۱)

از نظر بیکر نیز رفتار باروری خانواده‌ها متأثر از رفتار اقتصادی آنهاست و همان‌گونه که خانواده‌ها در زمینه‌ی اقتصادی در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند در مورد داشتن فرزند نیز به ایجاد نوعی تعادل عقلایی در مورد ترجیحات و سلیقه‌های خود، میزان درآمد و هزینه‌های فرزند اقدام می‌کنند و از این‌رو تصمیم برای باروری را می‌توان متأثر از دو شرط عمده‌ی ۱. تصمیم‌گیری عقلایی بین راه حل‌های جایگزین و ۲. در نظر داشتن قیمت سودمندی فرزند دانست. (فرزادسیر، ۱۳۷۱: ۳۲) براساس نظریه‌ی اقتصادی نئوکلاسیک نیز، تأخیر در ازدواج، کاهش نسبت متأهلین و افزایش طلاق، بازتاب دهنده‌ی کاهش مزایای ازدواج برای زنان و افزایش هزینه‌ی فرصت والدین شدن برای شمار درحال افزایشی از زنان همراه است. (بیکر، ۱۹۸۱) از اواخر قرن بیستم به بعد و با روشن شدن ناکارآمد بودن نظریات اقتصادی، تبیین‌های فرهنگی بیشتر در کانون توجه قرار گرفت. زیرا در این دوره کشورها تغییرات فرهنگی عظیمی را تجربه کرده‌اند. (هارا، ۲۰۰۸: ۵۶) بروز رفتارهای جدیدی چون فعالیت‌های جنسی در میان مجردان، همخوابگی، تولدهای خارج از ازدواج، طلاق و عدم ازدواج مجدد و سقط جنین برای دوری از باروری ناخواسته، برخی از موارد این تغییرات فرهنگی به شمار می‌روند. (اتوه، ۲۰۰۸) پرداختن به عوامل فرهنگی در تبیین نرخ باروری، بیشتر با کار ونداکا و لستق (۱۹۸۶) تحت عنوان "نظریه گذار دوم جمعیتی" آغاز گردید. آنها این نظریه را به‌عنوان نتیجه‌ی الگوهای در حال تغییر شکل خانواده مطرح کردند که از تغییرات ارزشی در جوامع پست مدرن ناشی می‌شود. ونداکا و لستق با طرح نظریه فوق، آن را محصول تغییراتی می‌دانند که در حوزه‌ی ارزش‌های خانوادگی رخ داده است. آنان فردگرایی، تأخیر و کاهش سن ازدواج، افزایش طلاق و افزایش در هم خوابگی‌های خارج از ازدواج را در قالب نظریه‌ی گذار دوم به‌عنوان تغییرات فرهنگی مطرح می‌کنند. در گذار دوم جمعیتی، افراد از هنجارهای سنتی مربوط به رفتار جنسی، ازدواج، طلاق و زمان باروری رها می‌شوند. (هارا، ۲۰۰۸: ۵۶) نظریه‌ی ترجیح نیز بر تأثیر جنبه‌های فرهنگی به‌عنوان فاکتورهای کلیدی برای تبیین تغییرات اخیر رخ داده در باروری و خانواده در کشورهای مدرن صنعتی تأکید می‌کند. (ویتالی و دیگران، ۲۰۰۸: ۵) بنابراین تغییرات فرهنگی و ارزشی، متأخرترین تبیین برای پدیده کاهش باروری در کشورهای غربی و مدرن در نظر گرفته شده است. تغییرات فرهنگی یاد شده امروزه منجر به سبک زندگی جدیدی شده‌اند که متفاوت با شیوه‌های سنتی است که در گذشته وجود دارد. این موضوع دایره‌ای گسترده از انتخاب را به روی افراد گشوده و آنها را در معرض تنوعی از گزینش‌ها قرار داده است. فردگرایی از عمده‌ترین ویژگی

های سبک زندگی جدید است که امروزه به‌عنوان عاملی فرهنگی که بر باروری و تغییرات آن مؤثر است مورد توجه اغلب پژوهشگران خارجی و داخلی قرار گرفته است. (وبر، ۱۳۸۳: ۱۳۷۷؛ الیک و ریلو، ۲۰۰۴؛ هارا، ۲۰۰۸: ۵۶) به همین دلیل لستق پیشنهاد می‌کند که عوامل و دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در توضیح تغییرات اخیر در الگوهای ازدواج، باروری و طلاق وارد کرد. تغییرات فرهنگی طیف نسبتاً وسیعی از تغییرات را در بر می‌گیرد که فردگرایی، یکی از مهمترین آنهاست.

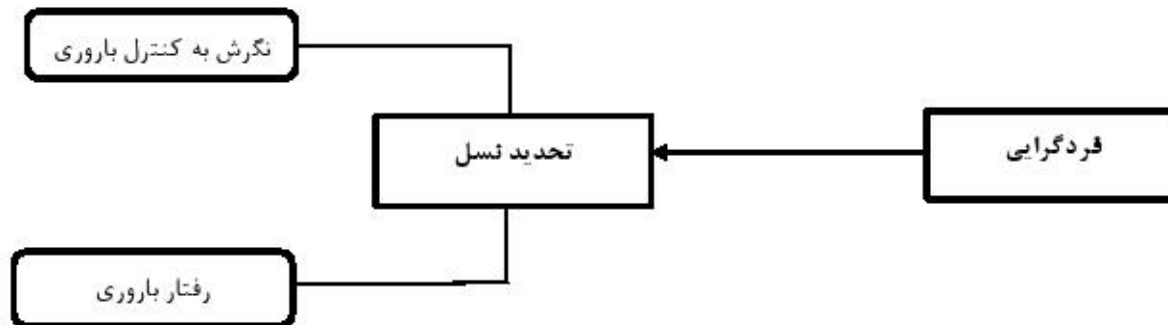
قرائت‌های گوناگونی از مفهوم فردگرایی وجود دارد اما معنای جامع این واژه در فرهنگ اقتصادی نئوپالگری چنین آمده است: فردگرایی آن نظریه اجتماعی یا ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش اخلاقی بالاتر را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد و در نتیجه، فردگرایی نظریه‌ای است که از آزاد گذاردن افراد حمایت می‌کند به نحوی که هر آن چه آن را نفع شخصی خودشان می‌دانند عمل می‌کنند. (جهانیان، ۱۳۷۸: ۴۰)

علی‌رغم وجه غالب گرایش‌های جمع‌گرایانه در جامعه، می‌توان گرایش‌های فردگرایانه را در اقصای مختلف از جمله جوانان مشاهده کرد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن غلبه ارزش‌های فردگرایانه بر جمع‌گرایانه است. (گیدنز، ۱۳۷۷) همچنان که نظریه‌ی اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به دگرگونی در جایجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸) فردگرایی از جمله ارزش‌های فرامادی است که بسیاری از مؤلفه‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و خانواده از اساسی‌ترین نهادهایی است که در نتیجه‌ی گسترش فردگرایی در جوامع جدید شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته است. (معدفر و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۹۴) به عقیده هوفستد روابط بین افراد و گروه‌ها همانند سایر عناصر فرهنگ انسانی، ابتدا در خانواده آموخته می‌شود. فردگرایی با ساختار خانواده هسته‌ای و جمع‌گرایی با ساختار خانواده گسترده همسو بوده است. (هوفستد، ۱۳۸۷: ۱۱۴) هوفستد معتقد است در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر دارند. در این جوامع تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فرد ارجحیت داده می‌شود و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک می‌خورد. این درحالی است که در فرهنگ‌های فردگرا خود فرد و امیال و احساسات وی اهمیت بیشتری دارد (همان، ۱۱۶) فرایند فردگرایی^۱ به‌عنوان با نفوذترین نیرو در تغییر نگرش‌های مربوط به زناشویی و دیگر پیوندها معرفی می‌گردد. (ریتولد و مانسفلد، ۱۹۹۹: ۷) در تأیید مطالب مذکور درباره جامعه ایران، داده‌های تحقیق منصور معدل نیز نشان می‌دهند که گرایش به استقلال فردی در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ در ایران گسترش یافته است. این داده‌ها بیان می‌کنند که ارزش‌ها در ایران به طرف ارزش‌های خودمختاری در حرکتند. (معدل، ۲۰۱۰) بنابراین با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق می‌توان ادعا کرد که فردگرایی در ایران در حال افزایش است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر کنترل باروری و مسئله تحدید نسل محسوب شود؛ براین اساس فرضیه‌های تحقیق حاضر بدین صورت است:

¹ Individualism

۱. بین فردگرایی با کنترل باروری رابطه وجود دارد.
۲. بین فردگرایی با رفتار باروری رابطه وجود دارد.
۳. بین فردگرایی با تحدید نسل رابطه وجود دارد.

مدل نظری پژوهش:



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش از نوع توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شهر تهران است و بر اساس فرمول کوکران تعداد ۴۲۸ نفر از زوج‌های ۲۰ تا ۴۹ سال برای مطالعه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه-گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای احتمالی است. ابزار گردآوری داده نیز پرسشنامه بوده که پس از تأیید متخصصین و دریافت اعتبار صوری لازم و پایایی کافی (مقدار آلفای ۷۲ درصد) بین نمونه آماری توزیع و داده‌ها گردآوری شدند. ابزار تحلیل داده‌ها هم نرم‌افزار spss بوده است که در دو بعد توصیفی و استنباطی جدوال مربوطه استخراج و نتایج تجزیه و تحلیل شدند. روال نمونه‌گیری به این ترتیب بوده است که: بر اساس شاخص رفاه که از طریق پژوهشکده مرکز آمار ایران منتشر شده منطقه ۳ شهر تهران با رتبه دو در شاخص رفاه به‌عنوان اولین منطقه، یعنی منطقه بالا، انتخاب شده و پس از آن با فاصله ۸ در رتبه‌ها حرکت کرده و به این ترتیب دو منطقه دیگر که نماینده مناطق متوسط (منطقه ۱۱) و پایین (منطقه ۱۹) بودند را انتخاب کردیم. در مرحله بعد از میان هر یک از مناطق تعداد ۵ بلوک و از هر بلوک تعداد ۱۳ منزل یا مسکن به طور تصادفی انتخاب شده و سپس به زوجینی که در قالب جامعه آماری این پژوهش قرار گرفته بودند پرسشنامه تحقیق داده شد تا توسط هر زوج تکمیل شوند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

دو متغیر اصلی تحقیق حاضر: (۱) نگرش به تحدید نسل (۲) فردگرایی

متغیر وابسته: نگرش به تحدید نسل

نگرش می‌تواند به‌عنوان یک گرایش و آمادگی برای پاسخگویی مطلوب یا نامطلوب نسبت به اشیاء، اشخاص، مفاهیم یا هر چیز تلقی شود. در مجموع نگرش به باروری به معنای اهمیت فرد نسبت به این پدیده است. منظور از تحدید نسل نیز کنترل موالید یا تلاش در جهت کاهش میزان باروری زیر یا برابر با سطح جایگزینی است. مفهوم کنترل حاکی از آن است که در مواردی که تعداد فرزندان کمتر یا بیشتر از تعداد ضروری است، برای تعدیل تعداد فرزندان خانواده، کنترل لازم خواهد بود (کریمی، ۱۳۸۶). در این مطالعه برای عملیاتی کردن متغیر نگرش به تحدید نسل از دو شاخص نگرش به کنترل باروری (ذهنی) و رفتار باروری (عملی) بهره گرفته‌ایم.

متغیر مستقل: فردگرایی

فردگرایی آن نظریه اجتماعی یا ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش اخلاقی بالاتر را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد و در نتیجه، فردگرایی نظریه ای است که از آزاد گذاردن افراد حمایت می‌کند به نحوی که هر آن چه آن را نفع شخصی خودشان می‌دانند عمل می‌کنند. (جهانیان، ۱۳۷۸: ۴۰) برای تعریف عملیاتی متغیر فردگرایی از مفهوم‌سازی تریاندیس استفاده شده است. در این منظر فردگرایی با توجه به جهت‌گیری ارزشی مخالف آن یعنی جمع‌گرایی قابل بررسی می‌شود (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۲۶۶ ۲۵۹).

نتایج تجزیه و تحلیل آماری پژوهش

نتایج تحلیل توصیفی

الف) توصیف متغیر تحدید نسل

جدول (۱) توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر تحدید نسل

درصد	فراوانی	نگرش پاسخگویان به تحدید نسل
۵.۱	۲۲	بسیار کم
۱۹.۹	۸۵	کم
۲۳.۶	۱۰۱	متوسط
۳۱.۱	۱۳۳	زیاد
۱۷.۵	۷۵	بسیار زیاد
۲.۸	۱۲	نامشخص
۱۰۰.۰	۴۲۸	کل

داده‌های بالا نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان یعنی ۳۲ درصد آنها نگرش زیادی نسبت به پدیده تحدید نسل داشته‌اند. این گروه از بیشترین میزان فراوانی در مقایسه با سایر گروهها برخوردارند. در مقابل، حدود ۵ درصد از پاسخگویان یا زوجین مورد مطالعه در این پژوهش نسبت به برنامه‌های تنظیم یا تحدید نسل نگرش بسیار کمی داشته‌اند.

جدول (۲) آماره‌های مربوط به متغیر تحدید نسل

واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد
۸۰٫۷۶۲	۸٫۹۸۶۷۶	۴۵٫۴۰۳۸	۶۵٫۰۰	۲۲٫۰۰	۴۱۶

ب) توصیف متغیر نگرش به کنترل باروری

جدول (۳) توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر نگرش به کنترل باروری

نگرش پاسخگویان نسبت به کنترل باروری	فراوانی	درصد
کم	۵۷	۱۳٫۳
متوسط	۲۲۹	۵۳٫۵
زیاد	۱۳۱	۳۰٫۶
نامشخص	۱۱	۲٫۶
کل	۴۲۸	۱۰۰٫۰

داده‌های بالا نشان می‌دهند که اکثر پاسخگویان یعنی حدود ۵۵ درصد آنها نگرش متوسطی نسبت به کنترل باروری داشته‌اند. این گروه از بیشترین میزان فراوانی در مقایسه با سایر گروهها برخوردارند. در مقابل، حدود ۱۴ درصد نگرش پایین یا ضعیفی نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده اظهار داشته‌اند. سرانجام، هیچ یک از پاسخگویان نگرش بسیار مثبت یا بسیار منفی به این پدیده اعلام نکرده‌اند.

جدول (۴) آماره‌های مربوط به متغیر نگرش به کنترل باروری

واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد
۶۷٫۲۱۹	۸٫۱۹۸۷۰	۴۰٫۳۳۵۷	۵۷٫۰۰	۲۰٫۰۰	۴۱۷

ج) توصیف متغیر رفتار باروری

جدول ۵) توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر رفتار باروری

نگرش پاسخگویان نسبت به رفتار باروری	فراوانی	درصد
بسیار کم	۳۷	۸٫۶
کم	۸۸	۲۰٫۶
متوسط	۲۲۵	۵۲٫۶
زیاد	۷۶	۱۷٫۸
نامشخص	۲	۰٫۵
کل	۴۲۸	۱۰۰٫۰

بر اساس داده‌های بالا حدود ۵۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در حد متوسطی از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنند که این گروه از بیشترین میزان فراوانی در مقایسه با سایر گروه‌ها برخوردارند. در مقابل ۹ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در حد بسیار کمی از این وسایل بهره می‌گیرند. این گروه کمترین میزان فراوانی را در مقایسه با سایر گروه‌ها دارند.

جدول ۶) آماره‌های مربوط به متغیر رفتار باروری

واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد
۲٫۳۰۸	۱٫۵۱۹۳۳	۵٫۰۹۶۲	۸٫۰۰	۲٫۰۰	۴۲۶

د) توصیف متغیر فردگرایی

جدول ۷) توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر فردگرایی

توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر فردگرایی	فراوانی	درصد
کم	۲۷	۶٫۳
متوسط	۱۲۷	۲۹٫۷
زیاد	۱۹۱	۴۴٫۶
بسیار زیاد	۸۳	۱۹٫۴
کل	۴۲۸	۱۰۰٫۰

داده‌های بالا میزان فردگرایی را در میان جمعیت نمونه پژوهش نشان می‌دهند. این داده‌ها حاکی از آن هستند که حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان دارای فردگرایی در حد زیادی می‌باشند که این گروه از بیشترین میزان فراوانی در مقایسه با سایر گروه‌ها

برخوردارند. در مقابل حدود ۶ درصد از پاسخگویان از فردگرایی کمی بهره‌مند بوده‌اند، که این گروه کمترین میزان فرلوانی را در مقایسه با سایر گروه‌ها دارند. این داده‌ها حاکی از نسبت بالای فردگرایی در میان پاسخگویان می‌باشد.

جدول ۸) آماره‌های مربوط به متغیر فردگرایی

واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد
۱۹۶٫۸۳۰	۱۴٫۰۲۹۶۰	۷۱٫۸۹۴۹	۱۰۰٫۰۰۰	۳۷٫۰۰۰	۴۲۸

نتایج تحلیل استنباطی پژوهش:

فرضیه شماره ۱) بین فردگرایی با نگرش به کنترل باروری رابطه وجود دارد.

جدول ۹) نتایج حاصل از آزمون پیرسون

فردگرایی	نگرش به کنترل باروری	
.۲۲۳**	۱	آزمون پیرسون سطح معناداری (دو دامنه) نگرش به کنترل باروری تعداد
۴۱۷	۴۱۷	
۱	.۲۲۳**	آزمون پیرسون سطح معناداری (دو دامنه) فردگرایی تعداد
۴۲۸	۴۱۷	

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

برای سنجش این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شده است. داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که رابطه‌ای مثبت و معنادار میان فردگرایی و نگرش به کنترل باروری؛ به این معنا که هر چه میزان فردگرایی پاسخگویان بیشتر باشد، نگرش آنها نسبت به کنترل باروری افزایش می‌یابد و برعکس، کاهش سطح فردگرایی، می‌تواند نگرش به کنترل باروری را کاهش دهد. اندازه آزمون پیرسون در اینجا ۰٫۲۲۳ و سطح معناداری معادل ۰٫۰۰۰ بدست آمده، که مورد قبول است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که نتیجه بدست آمده در مورد جمعیت نمونه پژوهش، قابل تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه است. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد.

فرضیه شماره ۲) بین فردگرایی با رفتار باروری رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰) نتایج حاصل از آزمون پیرسون

فردگرایی	کنترل باروری	
.۱۱۲۶**	۱	آزمون پیرسون
.۰۰۹		سطح معناداری (دو دامنه)
		رفتار باروری
۴۲۶	۴۲۶	تعداد
۱	.۱۱۲۶**	آزمون پیرسون
	.۰۰۹	سطح معناداری (دو دامنه)
		فردگرایی
۴۲۸	۴۲۶	تعداد

** Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

برای سنجش این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شده است. داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که رابطه‌ای مثبت و معنادار میان فردگرایی و رفتار باروری در عمل وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان فردگرایی پاسخگویان بیشتر باشد، آنها بیشتر نسبت به کنترل باروری اقدام می‌کنند و برعکس، کاهش سطح فردگرایی، با میزان کمتر کنترل عملی باروری در پاسخگویان همراه است. اندازه آزمون پیرسون در اینجا ۰٫۱۲۶ و سطح معناداری معادل ۰٫۰۰۹ بدست آمده، که مورد قبول است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که نتیجه بدست آمده در مورد جمعیت نمونه پژوهش، قابل تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه است. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد.

فرضیه شماره ۳) بین فردگرایی با تحدید نسل رابطه وجود دارد.

جدول (۱۱) نتایج حاصل از آزمون پیرسون

فردگرایی	کنترل باروری	
۰/۲۲۸** ۰/۰۰۰	۱	آزمون پیرسون سطح معناداری (دو دامنه) فردگرایی تعداد
۴۱۶	۴۲۸	
۱	۰/۲۲۸** ۰/۰۰۰	آزمون پیرسون سطح معناداری (دو دامنه) تحدید نسل تعداد
۴۱۶	۴۱۶	

* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

برای سنجش این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شده است. داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که رابطه‌ای مثبت و معنادار میان فردگرایی و نگرش به تحدید نسل وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان فردگرایی پاسخگویان بیشتر باشد، آنها نگرش بیشتری نسبت به تحدید نسل دارند و بر عکس، کاهش سطح فردگرایی با میزان کمتر تحدید نسل در پاسخگویان همراه است. اندازه آزمون پیرسون در اینجا ۰/۲۲۸ و سطح معناداری معادل ۰/۰۰۰ بدست آمده، که مورد قبول است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که نتیجه بدست آمده در مورد جمعیت نمونه پژوهش قابل تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه است. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج تحلیل توصیفی مشخص گردید که نگرش بالایی نسبت به تحدید نسل و در نتیجه نگرش به کنترل باروری و رفتار باروری وجود دارد. همچنین، نتایج داده‌های بخش توصیفی بیانگر این است که مؤلفه فردگرایی در افراد پاسخگو نیز در حال افزایش است. از طرف دیگر نتایج تحلیل استنباطی و آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که فرضیه‌های مطرح شده مورد تأیید واقع شده‌اند. به طوری که بین متغیر فردگرایی با نگرش به کنترل باروری رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش فردگرایی، نگرش به کنترل باروری نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین فردگرایی و رفتار باروری رابطه معنادار وجود دارد؛ به طوری که با افزایش فردگرایی، انجام رفتار باروری در افراد بیشتر می‌شود و در نهایت اینکه بین فردگرایی با نگرش به تحدید نسل رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی افزایش فردگرایی منجر به بالارفتن نگرش نسبت به تحدید نسل می‌شود.

بحث و تفسیر نتایج

باروری به‌عنوان یکی از جریان‌های عمده ی جمعیتی، نقش تعیین کننده ای در ایجاد جمعیت متعادل و متناسب و در نتیجه توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع در سطح خرد و کلان دارد. اما روند روزافزون کاهش باروری، جمعیت جامعه را از حالت اعتدال و تعادل خارج کرده و مسئولین و برنامه ریزان را نسبت به آینده جوامع نگران کرده و این سؤال را برای همگان مطرح کرده که چه عواملی بر این مسئله تأثیرگذار است. بدین منظور این مقاله با تکیه بر فردگرایی به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل فرهنگی درصدد مطالعه و بررسی پدیده کاهش باروری در قالب نگرش به تحدید نسل پرداخته است و نتایج نشان دهنده این مطلب است که فردگرایی به‌عنوان یکی از مهمترین متغیرهای فرهنگی و ارزشی، تأثیر بسزایی در افزایش نگرش به تحدید نسل و کاهش باروری دارد. همانگونه که لستق و وندکا به‌عنوان نخستین پژوهشگرانی که در حوزه باروری، بر تغییرات فرهنگی تکیه کرده و طی تحقیقات گسترده خویش به این نتیجه دست یافتند که تغییرات فرهنگی رخ داده در دهه های اخیر، تا حدی تغییر در نرخ های باروری را تبیین می‌کند. همچنین نتایج تحقیق نیلز (۲۰۰۵) نشان داد که تغییرات فرهنگی در تبیین نرخ باروری تأثیرگذار است. نتیجه بررسی عنایت وهمکاران (۱۳۸۹) نیز مؤید این مطلب است که عوامل فرهنگی بهترین توضیح دهنده سطوح متفاوت باروری بین دو نسل مادران و دختران هستند. از سوی دیگر نتایج برخی پژوهش ها از جمله هارا (۲۰۰۸) بیانگر کاهش باروری و افزایش بی فرزندی در نتیجه گسترش آزادی و خودشکوفایی یا فردگرایی در افراد می‌باشد. همچنین عباسی شوازی و علی مندگاری نیز در بررسی های خود به این نتیجه دست یافتند که زنان مستقل تر، باروری پایین تری را تجربه کرده اند. بنابراین نتایج تحقیق حاضر همراه با نتایج تحقیقات پیشین در این راستا بیان کننده این مسئله هستند که برای تبیین کاهش باروری، توجه به عامل فرهنگی و ارزشی حائز اهمیت است و قبل از هر اقدامی در جهت حل مسئله کاهش بی سابقه باروری در جامعه، بررسی دقیق عوامل فرهنگی از جمله گسترش فردگرایی در بین افراد جامعه ضروری است.

منابع

- اعظم آزاده، منصوره؛ عاصفه، توکلی (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع گرایی و دینداری. فصلنامه انجمن ایرانی، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۳، ۱۰۱-۱۳۵
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی (ترجمه: مریم وتر). تهران: نشر کویر
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳). تحولات خانواده، (ترجمه: جعفر پوینده). تهران: نشر ماهی
- جهانیان، ناصر (۱۳۷۸). فردگرایی و نظام لیبرال سرمایه داری. نشریه کتاب نقد، ۳
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، تهران: نشرنی
- حسینی، حاتم؛ بگی، بلال (۱۳۹۱). استقلال زنان و کنش های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد، زن در توسعه و سیاست، (۱۰)، ۴، ۵۷-۷۸
- سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۱). تحدید خانواده، تهدید جامعه، ره توشه راهیان نور، ۱، ۵-۲۵



فرزادسیر، کامران (۱۳۷۱). عوامل اقتصادی / اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری مناطق روستایی استان یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

کتابی، احمد (۱۳۷۹). مفاهیم جمعیت شناسی در فرهنگ و ادب پارسی، فصلنامه جمعیت، (۸)، ۳۱ و ۳۲، ۶، ۳۰

کریمی، زینب (۱۳۸۶). تنظیم خانواده و مبانی مشروعیت آن از دیدگاه علمای امامیه، فصلنامه بانوان شیعه، (۴)، ۱۳ و ۱۴

کلاتری، صمد؛ نیک محمدی، حسن و همکاران (۱۳۸۳). عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد. پژوهش زنان، (۳)، ۲، ۱۵۶
۱۳۷

عباسی شوازی، محمد جلال؛ خواجه صالحی، زهره (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزند آوری (مطالعه موردی شهر سیرجان). نشریه زن در توسعه و سیاست، (۱۱)، ۱، ۴۵-۶۴

عبایت، حلیمه؛ موحد، مجید و همکاران (۱۳۹۰). مطالعه رفتار و نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن. پژوهشنامه جامعه شناسی جوانان، (۱)، ۱، ۹۷-۱۱۸

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت (ترجمه: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات مرکز. ۱۴

معیدفر، سعید؛ صوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده. پژوهشنامه علوم اجتماعی، (۴)، ۹۳-۱۱۰، ۴

هوفستد، گرات (۱۳۸۷). فرهنگ‌ها و سازمان‌ها، برنامه ریزی ذهن (ترجمه: علی اکبر فرهنگی و اسماعیل کوسی). تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک

Amir ahmadi.H(2010),Revolution and Economic Transition:the Iranian EXperience,Albany,New York.State University of New York Press,

Atoh, Makoto. (2008) "The Relevance of Ideational changes to Family Transformation in postwar Japan." Pp. 223-250. In: International Family change: Ideational perspectives, edited by Ruk- maile Jayakody, Arland Thornton and William Axinn. New York: Kawrence Erlbaum Associates

Becker, Gary s. (1981) A Treatise on the family. Cambridge, Mass: Harvard university press.

Behenda.A(1998) principles of polulation studies, Himalya,publishing house,Bombay

Hara, Toshihiko. (2008) "Increasing childlessness in Germany and Japan: Toward a childless society", International Journal of Japanese sociology, No. 17, p 42-62.

Moaddel, Mansoor. (2010) "Religious Regimes and prospects for Liberal politics: Futures of Iran, Iraq and saudi Arabia", population studies center, No. 37, p 1-23

Neels, karel, (2005) "Fertility postponement: cultural Dynamics or structural change", population studies, No. 25, p 42-94.

Reynolds, Jenny & Mansfield, penny. (1999) "The Effect of changing Attitudes. To Marriage on Its stability", Reserch series, vol. 1, No. 2, p 99

Triandis,H.C(1998) Individualism and collectivism(theoretical and methodological approach) sage poblication

Vital, Agense & et al. (2008) "preference Theory and Low Fertility: A comparative perspective" Euopean Demographic Research papers, No. 5, p 1-36